

تحلیل سیر تاریخی دیپلماسی بین‌المللی ورزش ایران در دوره پهلوی دوم

آرمان طاهری نامقی^۱

مرتضی دوستی پاشاکلاپی^۲

چکیده

دیپلماسی ورزش با تمرکز بر رویدادهای ورزشی، عرصه منحصر به فردی را برای ملت میزبان فراهم می‌سازد تا دیپلماسی عمومی‌اش را به کار گیرد و همین امر موجب شده است که در دیپلماسی کشورها به جایگاه ورزش توجهی ویژه شود. هدف پژوهش حاضر، تبیین تحولات در عرصه دیپلماسی بین‌المللی ورزش ایران در دوره پهلوی دوم است. فرضیه مطرح این است که اصلی‌ترین عامل در این تحولات، عامل سیاسی بود. این پژوهش، ضمن در نظر داشتن جنبه کیفی موضوع با رویکرد کاربردی و روش کتابخانه‌ای همراه با بهره‌مندی از شیوه داده‌محور دریافت که تحولات سیاسی در این دوره از جمله ورود مدرنیته به ایران که در گرو بهبود تعاملات اجتماعی طی سفر دولتمردان به اروپا و بهبود روابط ایران با کشورهای غربی بود، تغییرات اساسی پیدا کرد و روابط اجتماعی-سیاسی ایران با کشورهای غربی موجب بهبود و پیشرفت عرصه بین‌المللی ورزش ایران شد؛ زیرا در این دوره، با قرار گرفتن ورزش در عرصه دیپلماسی، از آن به‌عنوان سرگرمی و ابزاری در دست حکومت، جهت نشان دادن قدرت و برتری استفاده می‌شد.

▪ واژگان کلیدی:

ایران، پهلوی دوم، دیپلماسی بین‌المللی، ورزش، سیر تاریخی.

درجه مقاله: علمی - ترویجی

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۸/۱۷

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۰۹/۳۰

^۱. دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی دانشگاه شمال، آمل-ایران (نویسنده مسئول) Arman.taheri@rocketmail.com

^۲. دانشیار گروه مدیریت ورزشی دانشگاه مازندران، بابلسر-ایران dosti@umz.ac.ir

مقدمه

تاریخچه دیپلماسی ورزشی به قرن نهم پیش از میلاد بازمی‌گردد (شهابی، ۱۳۸۸: ۸) که طی اولین بازی‌های المپیک باستان در رم، آتش‌بسی میان پادشاهانی به نام‌های لیکوراس^۱ در اسپار^۲، کلیستمس^۳ از پیزا^۴ و ایفیستوس^۵ از الیس^۶ امضا شد. این پادشاهان توافق کردند که تمام رفتارهای خشن و دشمنانه را در زمان برگزاری بازی‌ها به تعلیق درآورند تا موجب خشنودی تماشاگران شوند (Chehabi, 2001: 91). امروزه ادبیات دیپلماتیک ورزشی توانسته است مرزها را کمرنگ و راه‌های بیشتری را برای مذاکره باز کند تا از این طریق افراد گوناگون در کنار یکدیگر جمع شوند، صدای ملت‌ها واضح‌تر به گوش دیگر سیاستمداران برسد و نقش مکمل برای سیاست‌های دولت‌ها برعهده داشته باشد (Feizabadi et. al, 2013: 371). دیپلماسی ورزشی در هنگامی که روابط دیپلماتیک میان دولت‌ها ضعیف یا قوی است، به دولت‌ها امکان می‌دهد تا انعطاف‌پذیری زیادی از خود نشان دهند؛ چرا که دیپلماسی ورزشی راهی مناسب برای کشف دگرگونی‌های سیاسی وارد شده بر دولت‌ها است (Govindan et. al, 2015: 16)؛ دگرگونی‌هایی که دولت ایران را از دوره پهلوی تا به امروز فراگرفته است. بر این اساس، دیپلماسی ورزشی در دوران پهلوی دوم توانست مرزها را کمرنگ کند، راه‌های بیشتری برای گفت‌وگو باز کند و از این راه، تعاملات اجتماعی و فرهنگی را با دیگر کشورها تقویت نماید (باقری و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۱۸) و این، اصلی‌ترین دلیل ورود ورزش به عرصه دیپلماسی در دوران پهلوی دوم بود.

ورزش که پیش از آن در ایران به‌عنوان پدیده‌ای اضافی نگریسته می‌شد، در دوره پهلوی دوم نگرش به آن تغییر کرد، تبدیل به نوعی قدرت مطلق شد و به حکومت اجازه داد تا انعطاف‌پذیری درخور توجهی را در زمان ضعف روابط دیپلماتیک تقویت نماید (شریعتی فیض‌آبادی و گودرزی، ۱۳۹۴: ۱۰۱)؛ از این‌رو، تعاملات دیپلماسی در عرصه ورزش نه‌تنها در دوره پهلوی دوم، بلکه در تمام دوران، مسیری نرم برای کشف تغییرات سیاسی محتمل است (Grix & Houlihan, 2014: 577). تأثیر ورزش به‌عنوان پدیده‌ای مستقل در عرصه دیپلماسی میان حکومت‌ها و مردم به دو دسته تقسیم می‌شود: الف) ورزش به‌عنوان مقوله‌ای که بر

¹. Lycurgus

². Sparta

³. Cleisthems

⁴. Pisa

⁵. Iphistos

⁶. Elis

حکومت تأثیر مستقیم می‌گذارد؛ ب) شیوه ورزش بین‌الملل که نیازمند بازیگران چندگانه به‌ویژه در حوزه دیپلماتیک است تا بدین طریق بتواند اجرای رویدادهای ورزشی را ممکن نماید (Murray, 2011: 195).

ورزش در ایران امروز، همپای بسیاری از کشورهای بزرگ دنیا کارکردی اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی یافته و توانسته است جایگاه ویژه‌ای در جامعه به‌دست آورد. در این راستا، دیپلماسی ورزش به‌عنوان شاخه دیپلماسی عمومی توجهات زیادی را به خود جلب کرده است و تحلیلگران معتقدند همان‌گونه که دیپلمات‌ها برای تحقق منافع ملی به دور میز می‌نشینند، ورزشکاران نیز برای تقویت این منافع به دور پیست می‌دوند؛ از این رو، مطالعه چستی و چرایی عرصه دیپلماسی بین‌الملل ورزش ایران در دوره پهلوی دوم می‌تواند به ادراک سیاستمداران ایرانی از دیپلماسی ورزش در آن دوران کمک شایانی نماید و راهکارهای موفقیت را در دوران کنونی بازایی نماید. در باره اهمیت و ضرورت پژوهش حاضر باید گفت که بی‌توجهی به مسئله دیپلماسی در ورزش ایران می‌تواند منجر به تخریب و تضعیف سیاست خارجی ایران شود و آسیب‌های جدی اقتصادی و سیاسی به کشور وارد نماید؛ پس ضروری است که دیپلماسی ورزش در دوره‌های قبل از انقلاب اسلامی به‌خصوص هنگام ورود ورزش‌های گروهی در دوره پهلوی بررسی شود.

هدف اصلی این پژوهش، تبیین تحولات در عرصه دیپلماسی بین‌الملل ورزش ایران در دوره پهلوی دوم است. پرسش اصلی این است که چگونه عرصه دیپلماسی بین‌الملل ورزش ایران در این دوره بر تحولات سیاسی کشور تأثیر گذاشت؟ پرسش فرعی این است که مؤلفه‌های تأثیرگذار بر تحولات ورزشی در عرصه دیپلماسی بین‌الملل ورزش ایران در دوره پهلوی دوم کدامند؟ پژوهش حاضر بر این فرض استوار است که اصلی‌ترین عامل روند تحولات در عرصه دیپلماسی بین‌الملل ورزش ایران طی این دوره، عامل سیاسی بود.

از جمله پژوهش‌های انجام‌شده در داخل ایران پیرامون این پژوهش، مقاله صباغیان (۱۳۹۳) با عنوان "دیپلماسی ورزشی" است که نویسنده با استفاده از روش تحقیق توصیفی-تحلیلی دریافت که نقش ورزش و فعالیت‌های ورزشی که جزء بافت اساسی اجتماعی-فرهنگی هر کشور است، اکنون از فعالیت بدنی یا نوعی تفریح و سرگرمی فراتر رفته و کارکردهای گوناگون بهداشتی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و به‌ویژه سیاسی و بین‌المللی یافته است. همچنین کارکردهای بین‌المللی ورزش و رویدادهای ورزشی سبب شده‌اند تا در دیپلماسی کشورها به جایگاه ورزش توجه ویژه‌ای شود. زرگر (۱۳۹۴) در مقاله خود با عنوان "ورزش و روابط

بین‌الملل: جنبه‌های مفهومی و تئوریک" با استفاده از روش تحقیق توصیفی-تحلیلی دریافت که ورزش می‌تواند به جایی برای ابراز و نمایش حضور کشورهای در حال توسعه تبدیل شود و اگر آنها نمی‌توانند در صحنه‌های دیگر با قدرتهای صنعتی و تأثیرگذار جهان رقابت کنند، دست کم می‌توانند در صحنه ورزش، پایه‌پای آنها رقابت کنند و حتی بر آنها فائق آیند، موفقیتی که تأثیر روانی بزرگی بر مردم آن جامعه خواهد داشت و به آنها حس غرور و افتخار خواهد داد. شریعتی فیض‌آبادی و گودرزی (۱۳۹۴) در مقاله خودشان با عنوان "جایگاه دیپلماسی ورزش در روابط بین‌الملل جمهوری اسلامی ایران؛ رویکرد کیفی مبتنی بر تحلیل محتوا" با استفاده از روش تحقیق کاربردی و تحلیل محتوایی دریافتند که جمهوری اسلامی تاکنون به علت نداشتن استراتژی واحد در دیپلماسی ورزش، بسیاری از فرصت‌ها را برای توسعه روابط بین‌الملل خود از این طریق از دست داده است. همچنین شریعتی و گودرزی (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان "مدل‌سازی ساختاری SEM مؤلفه‌های دیپلماسی ورزش در توسعه روابط بین‌الملل جمهوری اسلامی ایران" با استفاده از روش تحقیق کمی و ابزار پرسش‌نامه دریافتند که از بین مؤلفه‌های دیپلماسی ورزش، توسعه قدرت هوشمندانه بیشترین سهم را در تبیین واریانس مجموعه دارد. از سوی دیگر، روش حداقل مربعات جزئی علاوه بر ارائه و تأیید مدل نهایی پژوهش، روایی و اگر و هم‌گرایی ابزار مورد استفاده را نیز تأیید کرد. رحمتی و خنجری (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان "روزنامه اطلاعات و ورزش زنان در عصر پهلوی اول (۱۳۲۰-۱۳۰۴ش)" با استفاده از روش تحقیق توصیفی-تحلیلی دریافتند که روزنامه اطلاعات در دوره رضا شاه با درج مقالاتی در باره مزیت ورزش برای زنان و گزارش رویدادها و فعالیت‌های فرهنگی-ورزشی زنان ایران و جهان، نقش درخور توجهی در عمومیت‌بخشیدن به ورزش زنان در جامعه داشت. تغییر نگرش جامعه به ورزش زنان، تأکید بر اهمیت ورزش به عنوان عامل اصلی سلامتی، تأکید بر تأثیر فزاینده ورزش بر زیبایی چهره و تناسب اندام، تأکید بر آموزش ورزش از طریق معرفی رشته‌های ورزشی متناسب و آموزش نحوه انجام آنها از محورهای مهم مورد توجه روزنامه در زمینه ورزش زنان بودند. شریعتی فیض‌آبادی (۱۳۹۸) در مقاله "مطالعه تطبیقی دیپلماسی ورزش در توسعه روابط خارجی ایران و کشورهای منتخب" با استفاده از روش تحقیق کاربردی و الگوی پردی دریافت که کشورهای توسعه‌یافته مانند ایالات متحده، ژاپن و استرالیا در کنار کشورهای دارای اقتصاد نوظهور^۱ مانند روسیه و چین با ارائه برنامه‌ای جامع و در قالب استفاده از ورزشکاران، مربیان، داوران و حتی شرکت‌های ورزشی به دنبال تحقق

اهداف کلان سیاسی خود در بستر ورزش هستند، حال آنکه تصمیم‌گیران سیاسی ایران به ورزش به‌عنوان پدیده‌ای تفریحی نگریسته‌اند و به «علاقه‌مندی» به‌جای «ادراک» از ظرفیت ورزش ایران در عرصه بین‌الملل بسنده کرده‌اند.

از جمله پژوهش‌های انجام‌شده در خارج از کشور پیرامون پژوهش حاضر می‌توان به مقاله کینگ^۱ و همکارانش (۲۰۱۲) اشاره کرد که با عنوان "شماره ویژه: رمزگذاری المپیک- بازی‌های المپیک پکن و تأثیر ارتباطات در سراسر جهان" با استفاده از روش تحقیق آمیخته دریافتند که روزنامه‌های تایمز لندن و نیویورک تایمز پس از انتخاب پکن به‌عنوان میزبان بازی‌های المپیک ۲۰۰۸م. تلاش کردند تا این انتخاب کمیته بین‌المللی المپیک را سیاسی و نه بر اساس شایستگی گزارش کنند. سترفیلد^۲ (۲۰۱۳) در مقاله‌ای با عنوان "قدرت هوشمند: استفاده از دیپلماسی ورزشی برای ایجاد یک شبکه جهانی برای توانمندسازی زنان و دختران" با استفاده از روش تحقیق کیفی- کمی دریافت که از ورزش می‌توان به‌عنوان ابزاری در راستای توانمندسازی زنان استفاده کرد. گریکس و هولیهان^۳ (۲۰۱۷) نیز با بررسی برزیل و هند به‌عنوان دو کشور دارای اقتصاد نوظهور گزارش کردند که برزیل با میزبانی جام جهانی فوتبال در ۲۰۱۴م. و بازی‌های المپیک در ۲۰۱۶م. و هندوستان نیز از طریق میزبانی بازی‌های کشورهای مشترک‌المنافع در ۲۰۱۰م. توانستند اعتبار بین‌المللی خود را تقویت نمایند. کشورهای کوچک حوزه خلیج فارس مانند قطر با جام جهانی فوتبال در ۲۰۲۲م. و بحرین با مسابقات فرمول ۱ نیز توانستند از ورزش به‌عنوان ابزاری برای مطرح‌شدن روی نقشه جهان استفاده کنند. لولا داسیلوا رئیس‌جمهور برزیل در نامه‌ای به بلاتر رئیس فیفا، فوتبال و میزبانی جام جهانی را ابزاری در راستای مبارزه با بی‌عدالتی، همبستگی میان زنان و مردان و از بین بردن تعصبات دانست. رو^۴ (۲۰۱۸) در مقاله "فوتبال، دیپلماسی و استرالیا در قرن آسیا" با استفاده از روش تحقیق کیفی و ابزار کتابخانه‌ای و میدانی دریافت که بعد از بازی‌های المپیک ۲۰۰۰م. سیدنی مهم‌ترین تصویر استرالیایی‌ها در اذهان مردم جهان، «ملت ورزشی» گزارش شده است. با بررسی این پژوهش‌ها مشخص می‌شود که تاکنون پژوهشی در راستای تحلیل سیر تاریخی عرصه دیپلماسی بین‌الملل ورزش ایران در دوره پهلوی دوم انجام نشده و پژوهش حاضر از این نظر بدیع است.

^۱. Qing

^۲. Satterfield

^۳. Grix & Houlihan

^۴. Rowe

مبانی مفهومی و نظری پژوهش

الف. دیپلماسی بین‌الملل: درک و شناخت در ارتباطات بین‌المللی، دگرگونی مفاهیمی است که خود اساس دگرگونی نظری را تشکیل می‌دهد. از مفاهیم اصلی که همواره در سیر تاریخ دگرگون شده و با پایداری زیاد و کم عملکردها به دنبال حفظ و گسترش منافع بوده، دیپلماسی است (Hamilton & Langhorne, 2011: 8). دیپلماسی شامل ابعاد گوناگون از جمله اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و نظامی بوده و در اکثر رشته‌ها بر واژه مذکور تأکید خاصی شده است؛ لذا تلاش‌های زیادی جهت توضیح دیپلماسی انجام شده که به ارائه نظریه‌ها و بیان دیدگاه‌های مختلف در سطوح مطالعات روابط بین‌الملل منجر شده است. در باره اهمیت و ضرورت دیپلماسی در روابط بین‌الملل باید گفت که جدا کردن مفهوم واژه دیپلماسی از روابط بین‌الملل امکان‌پذیر نیست؛ بنا بر این، با تغییرات پیوسته نظام اجتماعی و سیاسی، اهمیت دیپلماسی هویدا و جایگاهش حفظ شده است. همراه با هدف‌های دفاعی، دیپلماسی ابزاری ضروری جهت اجرا و مدیریت سیاست خارجی است. (Copeland, 2009: 7) مفاهیم روابط بین‌الملل با کمبود مفاهیم نظری مواجه هستند. وایت نوشته است: «مفاهیم دیپلماسی و روابط بین‌الملل دچار فقر فکری هستند» (Wight, 1966: 17-33). امروزه، دیپلماسی تحت عنوان ابزار سیاست خارجی در روابط بین‌الملل، کمتر مد نظر قرار گرفته است (James, 1999: 34).

سازمان‌های بین‌المللی، بازیگران دیپلماتیک هستند و این سازمان‌ها با منافع و نگرانی‌های مشترک فراتر از نگرانی ملی، اقدام به ایجاد شبکه‌های دیپلماتیک می‌کنند. هدف آنها توسعه اهداف سازمانی، فرهنگی و هویت است و به امورات سیاسی کمتر توجه دارند، در حالی که تمرکز دولت‌ها بیشتر بر امور سیاسی- نظامی است؛ بنا بر این، از جدایی دولت‌ها از سازمان‌های بین‌دولتی حمایت می‌کنند. در واقع، نظریه پردازان دیپلماسی غیرمتعارف به اقدامات یک‌طرفه دولت مشکوک هستند، آنان به دنبال دیپلماسی چندجانبه‌ای هستند که از یک‌جانبه‌گرایی دیپلماسی سنتی که می‌تواند مخرب و خطرناک باشد، بهتر است (Forsythe, 2013: 448).

ب. تعریف دیپلماسی ورزش: در باره دیپلماسی ورزشی، تعاریف گوناگونی در متون دهه‌های گذشته بیان شده است: از «جنگ بدون شلیک» (جکسون، ۲۰۱۳: ۱۲) تا «بزار توسعه صلح پایدار» (شریعتی فیض‌آبادی و ناظمی، ۱۳۹۶: ۷۶). تمام اینها به دنبال درک مناسب‌تر و بهتر تعاملات عرصه بین‌الملل، دوستی‌ها و کمک به از میان برداشتن کلیشه‌ها و تعصب‌ها بوده‌اند.

ورزش، وسیله‌ای بااهمیت، پرمحتوا و در عین حال کم‌خطر و اقتصادی جهت انجام فعالیت‌های دیپلماتیک است (Pigman & Rofe, 2014: 1095). در بیانی کامل‌تر، دیپلماسی ورزش جزئی پررنگ از دیپلماسی عمومی است که در آن، همه ظرفیت‌های نرم‌افزاری و سخت‌افزاری ورزش یک کشور از جمله ورزشکاران، تجهیزات و فضاهای ورزشی، مربیان و مدیران ورزشی به کار می‌رود تا نفوذ و قدرت نرم آن در عرصه بین‌الملل بهبود یابد و افزایش پیدا کند (باقری و همکاران، ۱۳۹۵: ۷۹۸).

ج. نظریه‌های دیپلماسی ورزش: در رابطه با دلایل گرایش سیاست‌مداران به ورزش برای بهره‌مندی از این ظرفیت با اهداف سیاسی، دیدگاه‌های زیادی بیان شده‌اند که عموماً بر حل اختلافات و ایجاد صلح تمرکز کرده‌اند (Nygård & Gates, 2013: 236). با انتخاب رویکردی کامل می‌توان سه رویکرد نظری را شناسایی کرد که هر کدام به وجهی از این موضوع اشاره می‌نمایند و به‌کارگیری ترکیبی از آنها سبب دستیابی به مبنای نظری نسبتاً جامعی می‌شود. این رویکردها عبارتند از:

الف. دیدگاه‌هایی که می‌توانند دیپلماسی ورزش را مکمل سیاست رسمی دولت‌ها برشمارند و با بیان شیوا و گسترده نظرات مردم، این نقش را ایفا می‌کنند.

ب. تعدادی از تحلیلگران اعتقاد دارند که دیپلماسی ورزشی با مد نظر قراردادن «وقایع گسترده ورزشی» عرصه اختصاصی را برای ملت میزبان آماده می‌نماید تا بتواند از دیپلماسی عمومی‌اش به‌گونه‌ای کارآمد و فعال استفاده کند.

ج. دیدگاه «ورزش به‌مثابه قدرت مطلق» بر این اصل استوار است که ورزش در دوران کنونی تحت عنوان «پدیده مازاد» یا «مکانی دست‌نخورده» نیست؛ اما تنها از موقعیت ابزاری بیرون رفته است. کارکرد و تجلی بازیکنانی مانند بکام، مسی و فدرر این معنا را اثبات می‌کند (Postlethwaite & Grix, 2016: 297).

د. ابعاد دیپلماسی ورزشی: رابطه بین مطالعه روابط بین‌الملل و ورزش، دقیق‌تر از تمایلات ورزشکاران و سلاطین ورزشی آنها برای انعکاس‌یافتن در امور جهانی است (Mabillard & Jadi, 2011: 59). بر اساس دیدگاه پژوهشگران، امروزه ورزش عملکردی سرگرم‌کننده و پاره‌وقت نیست، بلکه موضوع علمی با ظرفیت بالاتر از عرصه شایستگی‌های حرفه‌ای آن است (Hlabane, 2012: 102). اکنون، ورزش موضوعی ساده در بستر زندگی

شخصی یک فرد نیست، بلکه فرایند اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و حتی دیپلماتیک است (Anderson, 2017: 38)؛ ازاین‌رو، تحولات درونی نظام بین‌الملل، نقش ورزش را در حیطه بین‌المللی دگرگون کرده است. در نظام بین‌الملل به‌خصوص دوران جنگ سرد و قبل از عصر جهانی‌شدن، تنها دولت‌ها بازیکنان سیاست بین‌الملل بودند و بنیان عملکرد نظام آنها نیز بر اساس ایده‌های وستفالی بود (Allison, 2005: 39). با گسترش جهانی‌شدن، بازیکنان جدیدی مانند نهادهای غیردولتی، شرکت‌های جهانی و چندملیتی و حتی شخصیت‌های بانفوذ وارد این حیطه شدند و ازاین‌رو، مفاهیم نوینی مانند اقدامات گروهی و چندجانبه برای نموده‌های دیپلماسی جدید آشکار شدند (Grix, 2013: 16). لازم به ذکر است که بازیکنان در این زمینه طیف وسیعی را تشکیل داده‌اند و یکی از این بازیکنان، ورزشکاران و دست‌اندرکاران حوزه ورزش بوده‌اند (Murray, 2011: 94).

اگر چه دیپلمات‌های قدیمی با نهادهای ورزشی و سازمان‌ها رابطه داشته‌اند؛ اما شبکه‌های توسعه‌یافته و نوین در این زمینه سبب آشکارگشتن عنوان دیپلماسی ورزشی شدند (Rensmann, 2015: 115). دیپلماسی ورزشی، تحت دیپلماسی عمومی قرار می‌گیرد که دربرگیرنده عملکردهای دیپلماتیک و نمایندگی توسط ورزشکاران به نمایندگی از دولت خویش است (Matwiczak, 2010: 36). استفاده از ورزشکاران و وقایع مختلف ورزشی جهت ارائه و ایجاد تصویری مثبت در میان مردم و سازمان‌های بین‌المللی به‌منظور شکل دادن تصورات و درک آنها به‌عنوان شیوه‌ای مؤثر برای پیشبرد اهداف سیاسی بین‌المللی به کار برده شده است (Cull, 2009: 19). این در حالی است که دیپلماسی قدیمی یا سنتی وسیله‌ای برای اهداف سیاست خارجی دولت‌ها بوده و دیپلماسی ورزشی ابزاری در جهت رهیافت به اهداف آن است (صباغیان، ۱۳۹۴: ۱۳۳).

دولت‌ها برای دیپلماتیک کردن ورزش دلایل گوناگونی دارند. اولین دلیل، تغییر ایجادشده در فضای دیپلماتیک است که کشورها به‌ناچار باید آن را بپذیرند (Rofe, 2016: 213). روی آوردن دولت‌ها به دیپلماسی ورزشی از رویکردهای آنها به جنگ سرد است. دومین دلیل، گسترش ورزش و نهادهای مرتبط با آن است (Riordan & Krüger, 1999: 65) و ازاین‌رو، دولت‌ها تلاش می‌کنند از جذابیت‌های ورزشی به‌خصوص در روابط بین‌الملل بهره گیرند (De Groot, 2011: 94). سومین دلیل، خسته‌شدن مردم قرن بیستم میلادی از خشونت است و همین امر آنها را به ورزش‌های نرم همچون مبادلات ورزشی و فرهنگی سوق داده است. چهارمین دلیل، بدل شدن ورزش به بخش مهم زندگی جهانیان است که از طریق آن

انرژی‌های مثبت به مردم منتقل می‌شود. اگر پیام و تصویر یک ملت به‌طور تام از طریق ارزش‌های مثبت ورزشی انتقال یابد، ادراک مردم سایر کشورها از آن کشور دچار دگرگونی خواهد شد (Murray, 2011: 95).

روش‌شناسی پژوهش

این تحقیق به‌لحاظ ماهیت پژوهش، از گونه تحقیقات کیفی و از نوع کاربردی است و به‌لحاظ هدف پژوهش، تفسیری است؛ لذا نتایج آن، خالص و منطبق بر پژوهش استدلال استقرایی است. مرحله تدوین مبانی نظری تحقیق، جمع‌آوری اطلاعات و آرای نظریه‌پردازان، به‌اتکای متون و اسناد آرشیوی صورت گرفته است. مرحله تحلیل یافته‌ها با بررسی بیش از ۵۰ کتاب، مقاله و یادداشت طی سال‌های ۱۳۹۹-۱۳۸۰ ش. با استفاده از روش داده‌محور^۱ انجام گرفت. لازم به ذکر است که الگوی حاضر دارای دو مرحله توصیف و تفسیر داده‌ها است. در آغاز و در مرحله توصیف، اطلاعات بر اساس مطالب فیش‌برداری شده و شواهد موجود، جهت بررسی و تفسیر آماده و بعد از آن بر اساس پرسش‌های تحقیق تفسیر می‌شوند.

در پژوهش حاضر نمونه‌گیری نظری مطابق با معیارهای زیر انجام شد:

۱. منابع در حیطه ورزش و دیپلماسی باشند
۲. تعداد ارجاعات به منابع مورد بررسی در دیگر منابع بسیار باشد
۳. نویسندگان منابع، آثار گوناگونی در حیطه دیپلماسی ورزش داشته باشند.

بعد از مرور منابع بر اساس معیارهای بالا از جامعه مورد مطالعه، تعداد ۱۴ کتاب و ۸۶ مقاله به‌عنوان نمونه اولیه انتخاب شدند. با هویدا شدن طبقات مفهومی در سیر تحلیل داده‌ها، جست‌وجو در منابع ادامه پیدا کرد تا داده‌های کافی گردآوری شوند. فرایند گردآوری و تحلیل اطلاعات تا هنگامی ادامه پیدا کرد که اشباع نظری حاصل شد. نمونه نهایی مشتمل بر ۲۵ مقاله تخصصی است که در مجلات معتبر علمی-پژوهشی و دانشنامه‌ها منتشر شده‌اند و ۱۰ کتاب که در فرایند تحلیل داده‌ها به آنها استناد شده است. از این میان، تعداد ۱۱ مقاله که اهمیت بیشتر و ارتباط نزدیک‌تری با پژوهش حاضر دارند، در جدول شماره ۱ ارائه شده‌اند. ضمن آنکه در مطالعه حاضر از رویه کدگذاری کوربین^۲ برای شناسایی نکات کلیدی و کدگذاری آنها بهره برده شد تا کدهای مشترک به مفاهیم بدل شوند و مقوله‌ها استخراج گردند.

^۱. روش داده‌محور، فرایندی بر اساس تحلیل داده‌ها به‌جای اتکای صرف به تجربه و شهود است.

^۲. Corbin

جدول شماره ۱. نمونه کدهای توصیفی جهت نمایش نحوه استخراج مفاهیم

نویسنده	کدهای توصیف شده	مضمون
الهی (۱۳۷۳)	پیش از ورود ورزش‌های غربی، ورزش در ایران محدود به بازی‌های بومی و تمرین‌های زورخانه بود.	ورود ورزش‌های غربی به ایران از دوره پهلوی بود.
نیکوبخت و همکاران (۱۳۸۵)	زمان آغاز دیپلماسی را می‌بایست از شروع تشکیل جمعیت‌ها و ضرورت تبادل نظر و برقراری ارتباط دانست.	بیشتر تحولات و تجدیدنظرها در حیطه ورزشی دوره پهلوی دوم در ایران، تحت تأثیر گفتمان باستان‌گرایی و ملی‌گرایی بوده است.
امینی (۱۳۸۶)	از ورزش به‌عنوان هدف نظامی استفاده می‌شد و از بین ادارات نظامی، جایگاه سپاهیان در تشکلات رسمی کشور و شیوه سربازگیری از مسائلی است که از بُعد نظامی به‌شکل مستقیم در گسترش ورزش و تربیت‌بدنی تأثیرگذار بود.	بهبود ارتباط ایران با سازمان‌های بین‌المللی موجب نگاهی تأثیرگذار به ورزش شد.
شهابی (۱۳۸۸)	در شروع کار، مردم به تماشای ورزش‌ها علاقه‌ای نداشتند؛ از این‌رو، سازمان ملی تربیت‌بدنی، هدایای رایگانی را جهت سوق‌دادن مردم به تماشای این مسابقات تعیین کرد.	دولت از ورزش و رسانه‌های جمعی با هدف ترویج و گسترش ورزش حمایت کرد.
زرگر (۱۳۹۴)	ورزش می‌تواند به جایی برای ابراز و نمایش حضور کشورهای در حال توسعه و جهان‌سومی تبدیل شود.	موفقیت در عرصه ورزش، تأثیر روانی بزرگی بر مردم آن جامعه خواهد داشت.
صباغیان (۱۳۹۴)	ورزش و فعالیت ورزشی، جزء بافت اساسی اجتماعی- فرهنگی هر کشور است.	کارکردهای بین‌المللی ورزش و رویدادهای ورزشی سبب شده است تا در دیپلماسی کشورها به جایگاه ورزش توجه ویژه‌ای شود.

شریعتی و گودرزی (۱۳۹۶)	از بین مؤلفه‌های دیپلماسی ورزش، توسعه قدرت هوشمندانه بیشترین سهم را دارد.	دیپلماسی ورزش، مکمل سیاست رسمی دولت‌ها است که این نقش را با بیان شیوا و گسترده نظرات مردم ایفا می‌کند.
رحمتی و خنجری (۱۳۹۷)	روزنامه اطلاعات در دوره رضا شاه با درج مقالاتی در باره مزیت ورزش برای زنان و فعالیت‌های ورزشی زنان ایران، نقش درخور توجهی در عمومیت‌بخشیدن به ورزش زنان در جامعه داشته است.	رسانه‌ها موجب محبوب‌شدن و اهمیت‌دادن به ورزش شدند و نقش زنان در ورزش تغییر کرد.
باقری و همکاران (۱۳۹۷)	دیپلماسی ورزشی در دوران پهلوی دوم در ایران توانست مرزها را کمرنگ و راه‌های بیشتری را برای گفت‌وگو باز کند تا بدین گونه تعاملات اجتماعی و فرهنگی را با دیگر کشورها تقویت نماید.	آنچه ورزش را در دوران پهلوی دوم متحول کرد، پشتیبانی دولت بود.
شریعتی فیض‌آبادی (۱۳۹۸)	کشورهای توسعه‌یافته مانند ایالات متحده، ژاپن و استرالیا در کنار کشورهای دارای اقتصاد نوظهور با ارائه برنامه‌ای جامع و در قالب استفاده از ورزشکاران و حتی شرکت‌های ورزشی به‌دنبال تحقق اهداف کلان سیاسی خود در بستر ورزش هستند.	تصمیم‌گیران سیاسی ایران به ورزش به‌عنوان پدیده‌ای تفریحی نگریسته‌اند.

تحلیل یافته‌ها

الف. یافته‌های توصیفی: ایران در دوره پهلوی دوم توانست از ورزش به‌عنوان ابزار دیپلماسی بین‌المللی بهره‌برد. بر این اساس و در ادامه، داده‌های استخراج‌شده از بررسی‌ها طبقه‌بندی گردیده و به‌صورت نمودار در زیر ارائه شده‌اند:



نمودار شماره ۱. راهبردهای دیپلماسی بین المللی ورزش در دوره پهلوی دوم در ایران
(منبع: یافته های نگارندگان)

ب. یافته های تحلیلی: در این بخش، یافته های اصلی پژوهش ارائه می گردد.

سیر تاریخی دیپلماسی ورزش ایران در دوره پهلوی دوم

زمان آغاز دیپلماسی را می بایست از شروع تشکیل جمعیت ها و ضرورت تبادل نظر و برقراری ارتباط دانست. ارتباطی که مطابق با «نیاز» ایجاد شد (نیکوبخت و همکاران، ۱۳۸۵: ۲۶)؛ نیازی که انسان را بر آن داشت تا طبق شیوه ای خاص که بر اساس فهم دو طرف باشد، به دنبال بیان درخواست خود و در نتیجه از بین رفتن نیاز باشد. در این میان، بازیگران اصلی عرصه نظام بین الملل که همان دولت ها هستند، نقش آفرینی بهتری داشته اند (Jackson & Haigh, 2008: 350). این در حالی است که دیگر بازیگران از جمله سازمان های بین المللی و سازمان های مردم نهاد نیز امروزه فعال تر هستند (رابرتس، ۱۳۸۶: ۶۷). دیپلماسی

ورزش ایران در دوره پهلوی دوم منفعل بود و در حقیقت، پیچیدگی سیاست خارجی این دوره سبب قربانی شدن دیپلماسی عمومی و ورزشی در حیطه بین‌الملل شده بود. ازاین‌رو، شروع درخشان ورزش ایران در دوره پهلوی دوم را می‌توان هم‌زمان با میزبانی تهران در بازی‌های آسیایی دانست. بازی‌های آسیایی در تهران به گونه‌ای برگزار شد که این بازی‌ها را ۲۲۵ نماینده رسانه‌ای از ۹۷ آژانس خبری سه قاره جهان پوشش رسانه‌ای دادند. در این راستا، امیرتاش به چند دلیل این بازی‌ها را در خاطر مردم آسیا ماندگار می‌داند؛ از جمله: آمادگی شهر تهران برای میزبانی بازی‌ها، اقدامات امنیتی دقیق، استفاده از فناوری پیشرفته، سازماندهی مناسب در کنار بهبود ارتباطات سیاسی-اجتماعی با کشورهای آسیایی (نیکوبخت و دیگران، ۱۳۸۵: ۲۷). به‌طور کلی، بیشتر تحولات و تجدیدنظرها در حیطه ورزشی دوره پهلوی دوم، تحت تأثیر گفتمان باستان‌گرایی و ملی‌گرایی بود. این عملکردها و اصلاحات با پشتوانه و مشروعیت ملی‌گرایانه، در دوره‌های بعد از برتخت‌نشستن رضا شاه شروع شد؛ چرا که تحولات و اصلاحات همه‌جانبه در ورزش ایران نیاز به دراختیارداشتن تمام قدرت سیاسی و اجتماعی داشت؛ ازاین‌رو، در دوره پهلوی دوم، شاه بعد از به‌دست آوردن قدرت تدریجی و به قصد کامل شدن دگرگونی‌های به‌وجودآمده در ورزش ایران اصلاحاتی انجام داد تا ضمن جدانمودن نظام‌های سنتی نادرست، به‌زعم دولتمردان و اطرافیان‌شان، ورزش را جدید و یکدست کند.

پیش از ورود ورزش‌های غربی، ورزش در ایران محدود به بازی‌های بومی و تمرین‌های زورخانه بود (الهی، ۱۳۷۳: ۸۱). با نفوذ ورزش‌های نوین بعد از دوران مشروطه و شناخت فرهنگ غربی، اهداف تربیتی، علوم ورزشی، بهداشت و سلامت هم‌سو با آشنایی با اثرات روانی و روحی ورزش و بارزش‌تر از همه، درخشیدن در عرصه‌های بین‌المللی مورد توجه قرار گرفت. در دوره پهلوی دوم، نظامی‌گری به تشکیلات نظامی محدود شد و از همین رو، ورزش دارای سابقه‌ای دیرینه و درخشان در نیروهای نظامی شد. همچنین از آنجایی که یکی از راه‌های ارتزاق مردم در طول سالیان متمادی، حضور در لشکرکشی‌ها و جنگ‌های داخلی و خارجی بود و این عمل، مردم را به یادگیری مهارت‌های نظامی تشویق می‌کرد، کسوت‌های پهلوانی مثل عیاران، شاطران، فتیان، زورگران و کشتی‌گیران همراه با باستانی‌کاران، اکثراً در جهت تأمین اهداف نظامی تشکیل شدند (باقری و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۲۱). در دوره پهلوی دوم، توجه به بافت شهرک‌سازی‌ها به‌خصوص در شهرهای مرزی به گونه‌ای بود که اهداف نظامی و به‌خصوص دفاعی را مد نظر قرار می‌داد؛ لذا می‌توان اذعان کرد که در این دوره بالاخص طی دهه ۱۳۳۰-۱۳۲۰ش. از ورزش به‌عنوان هدف نظامی استفاده می‌شد و در بین ادارات نظامی،

جایگاه سپاهیان در تشکیلات رسمی کشور و شیوه سربازگیری به شکل مستقیم در گسترش ورزش و تربیت بدنی تأثیرگذار بود. در ۲۵ شهریور ۱۳۲۰. زمانی که رضا شاه به دلیل فشار حوادث از مقام سلطنت استعفا کرد، دولت های متفق پسر ۲۱ ساله او، محمدرضا را به عنوان پادشاه جدید ایران به رسمیت شناختند (امینی، ۱۳۸۶: ۷۵). در این سال، ورزش به خصوص فوتبال، بخشی از نظام اجتماعی ایران بود و مانند یکی از بخش های جامعه، آموزش و پرورش، اقتصاد، حکومت، خانواده و مذهب گسترش یافت و از ثبات، تعادل و دوام اجتماعی جدایی ناپذیر بود. در این دوره، ورزش فوتبال از ویژگی های سنتی و ویژه ای بهره مند شده بود که آن را فقط تحت عنوان یک ورزش نمی توان دانست. ضمناً در حکومت محمدرضا شاه جامعه ایران وارد دوره ده- دوازده ساله آزادی شد که در تحول و دگرگونی حیطه فرهنگ و جامعه ایران با اهمیت بود. «با اشغال ایران از سوی متفقین، نیروهای اجتماعی ایران که تا آن زمان در منگنه فشار بودند، آزاد شدند. این نیروها به دنبال احیای مطبوعات آزاد، سازمان های سیاسی و درگیر شدن در جنبش های اجتماعی بعد از جنگ دوم جهانی، به این آزادی واکنش نشان دادند.» (فوران، ۱۳۸۶: ۳۹۴) در دوره پهلوی دوم، فدراسیون های ورزشی به دنبال یکدیگر ایجاد شدند و فعالیت خودشان را به صورت رسمی آغاز کردند. شایسته ذکر است که محدود کردن عرصه بر دگراندیشانی مانند غلامرضا تختی تا زمان حذف شدن از طریق خودش همراه با شکنجه و سرانجام تیرباران طیب حاج رضایی (محمدی سرشت، ۱۳۹۳: ۶۹) نشان از دستورات و قوانین تغییرناپذیر سیاسی داشت که رژیم ایران بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به دنبال آن بود. ورزش ایران تا دهه ۱۳۴۰ش. به شکل سنتی اداره می شد و در این مدت، جایگاه ویژه ای در بین ورزش های جهان نداشت. در حقیقت، بعد از این دهه ورزش ایران رفته رفته شاهد چهره های مستعد و درخشانی در رشته های گوناگون بود و تاخت و تاز خود را در زمینه های مختلف به ویژه فوتبال آسیا شروع کرد.

جدول شماره ۲. وضعیت ورزش ایران در عرصه دیپلماسی در دوره پهلوی دوم

(منبع: یافته‌های نگارندگان)

توسعه اقتصادی		وضعیت و رخدادهای ورزش ایران در عرصه دیپلماسی دوره پهلوی دوم	۱۳۴۰	۱۳۳۰	۱۳۲۰
توسعه فرهنگی			الف. دیپلماسی ورزش به‌مثابه مکمل سیاست رسمی دولت‌ها (از ابتدای پهلوی دوم تا انتها) ب. دیپلماسی ورزش با تمرکز بر رویدادهای بزرگ ورزشی (از ابتدای پهلوی دوم تا انتها) پ. ورزش به‌مثابه قدرت مطلق (از ابتدای پهلوی دوم تا انتها)		
			مدرنیزاسیون	شرایط علی	شرایط زمینه‌ای
توسعه سیاسی			آوردگاه رویدادهای ورزشی، جایگاه قدرت‌نمایی یا پدیده نوظهور در ورزش دوره پهلوی دوم		
			جایگزین جنگ و دیپلماسی نظامی و عامل دوستی بین‌المللی		
تکامل نظام دولت ملی، اتخاذ تصمیمات سیاسی و فراهم‌نمودن ابزاری جهت کسب ارزش‌های سیاسی محو نمودن محدودیت‌های ژئوپلیتیک					

شرایط تأثیرگذار بر سیر تحول ورزش در عرصه دیپلماسی دوره پهلوی دوم

الف: شرایط زمینه‌ای مجموعه خاصی از شرایطند که در یک زمان و مکان خاص پدید می‌آیند تا مجموع اوضاع و احوال یا شرایطی را به‌وجود آورند که اشخاص یا افراد (گروه‌ها) با

عمل و تعامل‌های خود به آنها پاسخ می‌دهند. شرایط زمینه‌ای منشأ در شرایط علی دارند و محصول چگونگی تلاقی و تلفیق آنها با یکدیگر برای شکل دادن به الگوهای مختلف با ابعاد گوناگون هستند. (استراوس و کوربین، ۱۳۹۲: ۱۵۴). به بیان دیگر، وجود شرایط زمینه‌ای متفاوت نشان دهنده آن است که ورزش چگونه می‌تواند از جایگاهی مهم در جامعه ایرانی برخوردار شود. در دوره پهلوی دوم، بعد از آنکه نخبگان ایرانی متوجه پیروزی نظامی غرب شدند، اصلاح و احیاء در عرصه ورزش با اهمیت گشت. در این دوره، ورزش که از جامعه و فرهنگ ایران جدا نبود، به دنبال تحولات فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی دچار دگرگونی‌های چشمگیری شد. شایسته ذکر است که پیش از ورود ورزش از غرب به ایران، ورزش به بازی‌های بومی- محلی در بخش‌های گوناگون و ورزش‌های زورخانه‌ای محدود بود که تا نیم قرن پیش، هدف نهایی آن آموزش فنون کشتی بود (باقری و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۸). سالیان متمادی، دولتمردان ایرانی در حیطه ورزشی با یکدیگر همکاری نمی‌کردند و این امر پیش از دوره پهلوی دوم و به خصوص در حیطه ورزش‌های انفرادی نمایان بود؛ اما در دوره پهلوی دوم با ورود مدرنیته و گرایش به غرب و پیرو آن آغاز ورزش‌های گروهی و همگانی مانند بیسبال، فوتسال، فوتبال، والیبال و بسکتبال، همکاری میان دولتمردان شروع شد (نیکوبخت و همکاران، ۱۳۸۵: ۲۸).

ب: شرایط علی «معمولاً شرایط علی بر وقایع تأثیرگذار است.» (استراوس و کوربین، ۱۳۹۵: ۱۵۳) این شرایط، تجلی یا گسترش مقوله اصلی را به نوعی رقم می‌زنند که به خودی خود به عملیاتی جهت توسعه رخداد ورزش منجر شود. آنچه ورزش را در دوره پهلوی دوم متحول کرد، پشتیبانی دولت بود. در تهران برخی از دولتمردان قدرتمند و بانفوذ برای دیدن مسابقات به ورزشگاه‌ها می‌رفتند. در شروع کار، مردم به تماشای ورزش‌ها علاقه‌ای نداشتند؛ از این رو، سازمان ملی تربیت بدنی، هدایای رایگانی را جهت سوق دادن مردم به تماشای این مسابقات تعیین کرد (شهابی، ۱۳۸۸: ۹۳). بر این اساس، آگاهی و شناخت عام از رخدادهای ورزش تا پیش از توسعه رسانه‌های جمعی ایجاد نشده بود.

در دهه ۱۳۴۰ ش. ورزش به علت توسعه رسانه‌های گروهی اعم از تلویزیون، روزنامه‌ها، رادیو و مجلات توسعه چشمگیری پیدا کرد و اطلاعات و اخبار ورزشی از طریق رسانه‌ها دنبال می‌شدند؛ از این رو، می‌توان گفت که در این دهه، میدان ورزش به شکلی بی‌سابقه متحول شد (باقری و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۱). یکی از مفسران فوتبال ایران به نقش کلیدی رسانه‌های

جمعی همچون رادیو و محبوبیت ورزش میان مردم در این دوران چنین اشاره کرده است که «ما از طریق شنیدن و از طریق گزارش‌های عطا بهمنش در رادیو به ورزش علاقه‌مند شدیم.» این مثال در رابطه با فوتبال بسیار صدق می‌کند؛ از ۱۳۴۷ ش. رقابت‌هایی مانند جام ملت‌های آسیا از رسانه تلویزیونی به نمایش گذاشته شدند. دیدار نهایی این مسابقات بین ایران و رژیم صهیونیستی برگزار گردید و ایران قهرمان آسیا شد. این بار علاوه بر تماشاچایی که بازی را در استادیوم تماشا کرده بودند، علاقه‌مندانی که بازی را از تلویزیون دیده بودند، در کوچه و خیابان جشن شادی را ادامه دادند (عبدالهیان، ۱۳۸۱: ۹۳).

مدرنیزاسیون

هسته پژوهش حاضر، مدرنیزاسیون است. با وجود آنکه هسته اصلی از داخل پژوهش تراوش می‌کند، باز هم مفهومی انتزاعی همراه با اغراق است. باید گفت که هسته مرکزی از تمام تحلیل‌ها چند واژه را بیرون می‌ریزد تا بدین طریق بیان کند که تمام پژوهش در باب چه چیزی است؟ (استروس و کوربین، ۱۳۹۵: ۱۶۷). مدرنیزاسیون یا نوسازی، دو مفهوم دارد: نخست، مجموع رخدادهای علمی، سیاسی، اجتماعی و فنی که در غرب هویدا گشت و موجب پیشرفت فناوری و قدرت سیاسی شد؛ دوم، مدرنیزاسیون به‌عنوان فرایند نفوذ مدرنیته غربی به دیگر کشورها. بر این اساس، اجرای مدرنیزاسیون در دوره پهلوی دوم هم‌سو با مفهوم دوم بود. ورود محمدرضا پهلوی به عرصه قدرت همراه با تحولاتی مانند بحران دولت مدرن و تعارض آن با سنت پادشاهی و همچنین بحران تجددخواهی و تعارض آن با دین‌گرایی بود. در این دوران که مدرنیزاسیون حول اصلی‌ترین مفهوم خود یعنی «امنیت» می‌چرخید، به مفهومی ویژه تحت عنوان «پیشرفت» اشاره داشت. در عرصه ورزش، اصلی‌ترین تجربه دولتمردان دوره پهلوی دوم، اکثراً توسعه‌ای بود؛ زیرا بر اساس تجربه جهانی به نظر می‌آمد که با فرض ثبات اجتماعی-سیاسی در ایران و اهمیت درآمدهای ارزی نفتی، برنامه‌ریزی در جهت ساماندهی ایران و رهیافت به توسعه امکان‌پذیر شود.

در دوره پهلوی دوم، پیشرفت در حوزه صنعت که پیامد افزایش قیمت نفت بود، سبب حمایت بی‌سابقه مالی دولتمردان و همکارانشان از ورزش به‌خصوص ورزش‌های جمعی شد؛ بنا بر این، می‌توان ادعان نمود که توسعه ورزش برای حاکمیت پهلوی دوم اتفاقات زیادی به همراه داشت که نتایج حاصل از آن بر جوامع بزرگ‌تر اعمال می‌شد. در ضمن باید خاطر نشان کرد که در این دوره، مدرنیزاسیون که زیر پرچم و سایه گفتمان غرب‌گرایی نمود پیدا کرد، باعث تحول عمیق در ورزش ایران شد و در پی آن، ورزش‌های غربی مثل فوتبال در قیاس با ورزش‌های سنتی مانند کشتی دارای مقامی بالاتر و یا همسان شدند.

نتیجه‌گیری

به هر میزان که اهمیت ورزش در زندگی اجتماعی افراد جامعه فزونی می‌یابد، به‌همان میزان تبعات آن بر تعاملات و ارتباطات در سطوح گوناگون جامعه بالاخص دولت‌ها و ملت‌ها افزون می‌شود و همین امر سبب ضرورت توجه بیشتر به ورزش در روابط بین‌الملل نیز می‌گردد. رابطه میان سیاست و ورزش، سالیان زیادی است که به طرق گوناگونی مشاهده می‌گردد و با وجود تمام تأکیدات و توصیه‌ها، روابط بین‌الملل و ورزش بر یکدیگر تأثیر متقابل دارند و از همین رو، اکنون می‌توان رابطه متقابل میان آنها را جدی‌تر و مصمم‌تر بیان کرد. ورزش از جهات گوناگون با روابط بین‌الملل ارتباط داشته است و بعضی از عملکردهای ورزش برای پژوهشگران روابط بین‌الملل می‌تواند درخور توجه و مهم باشد؛ ازاین‌رو، دیپلماسی ورزشی راهکاری برای دولت‌ها جهت نابودی افتراق‌ها و بهبود گفت‌وگو، توسعه و پایداری است.

عملکرد ورزش در حیطه دیپلماسی در دوره پهلوی دوم سبب هویت‌سازی، دولت‌سازی، افزایش اعتبار ملی و سیاسی، تحکیم هویت ملی، تفاهم و تعامل، مقاومت و ابراز وجود، کنترل اجتماعی و کاهش خشونت، صلح‌سازی و حفظ و افزایش امنیت، گسترش ارتباطات و بسط فرهنگ، درآمدزایی و توسعه شد. در این دوره، دیپلماسی ورزش ایران سازوکاری منفعلانه داشت و پیچیدگی سیاست خارجی پهلوی دوم موجب قربانی‌شدن دیپلماسی عمومی به‌شکل عام و دیپلماسی ورزشی به‌شکل خاص در عرصه بین‌الملل گردید که در این بین، شرایط زمینه‌ای، علی و مدرنیزاسیون جامعه نقشی اساسی ایفا کردند و موجب شدند تا حداقل در میدان ورزش ایران در این دوره، دگرگونی بی‌سابقه‌ای به وجود آید و ورزش‌های غربی مانند فوتبال در مرتبتی برابر و در ادامه فراتر از ورزش‌های سنتی این مرزوبوم چون کشتی قرار گیرند؛ بنا بر این، می‌توان اذعان نمود که تحولات سیاسی در ایران دوره پهلوی دوم از جمله ورود مدرنیته به ایران که در گروی بهبود تعاملات اجتماعی طی سفر دولتمردان به اروپا و بهبود روابط ایران با کشورهای غرب بود، تغییرات اساسی پیدا کرد و روابط اجتماعی-سیاسی ایران با کشورهای غربی، موجب بهبود و پیشرفت عرصه بین‌الملل ورزشی ایران شد؛ زیرا در این دوره، ورزش با قرار گرفتن در عرصه دیپلماسی به‌عنوان سرگرمی و ابزاری در دست حکومت صرفاً به‌منظور نشان‌دادن قدرت و برتری مورد استفاده قرار می‌گرفت؛ ازاین‌رو، عامل سیاسی و مؤلفه مدرنیزاسیون، اصلی‌ترین عوامل مؤثر بر تحولات در عرصه دیپلماسی بین‌الملل ورزش ایران در دوره پهلوی دوم بودند.

منابع و مآخذ

فارسی:

- الهی، صدرالدین، ۱۳۷۳، "نگاهی دیگر به سنتی کهن: زورخانه"، *مجله ایران‌شناسی*، س ۶، ش ۴، صص ۷۴۵-۷۲۶.
- امینی، علیرضا، ۱۳۸۶، *تاریخ روابط خارجی ایران در دوران پهلوی*، تهران: نشر صدای معاصر.
- باقری، مجتبی، بهرام قدیمی، زهرا علیپور درویش و محمدعلی اصلانخانی، ۱۳۹۷، "شناسایی عوامل اجتماعی مؤثر بر گسترش ورزش فوتبال در دوران پهلوی دوم"، *فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی-فرهنگی*، سال ۷، ش ۳، صص ۱۴۲-۱۱۷.
- باقری، یوسف، مهدی شریعتی فیض‌آبادی و عباس نظریان، ۱۳۹۵، "مدل‌سازی نرم مؤلفه‌های دیپلماسی ورزش"، *نشریه مدیریت ورزشی*، سال ۸، ش ۵، صص ۸۲۱-۷۹۷.
- رحمتی، محسن و پریوش خنجری، ۱۳۹۸، "روزنامه اطلاعات و ورزش زنان در عصر پهلوی دوم (۱۳۰۴-۱۳۲۰)"، *دوفصلنامه علمی*، س ۹، ش ۲، صص ۲۶۱-۲۳۷.
- زرگر، افشین، ۱۳۹۴، "ورزش و روابط بین‌الملل: جنبه‌های مفهومی و تئوریک"، *فصلنامه تخصصی علوم سیاسی*، س ۱۱، ش ۳۱، صص ۴۸-۷.
- شریعتی فیض‌آبادی، مهدی، ۱۳۹۸، "مطالعه تطبیقی دیپلماسی ورزش در توسعه روابط خارجی ایران و کشورهای منتخب"، *دوفصلنامه علمی دانش سیاسی*، س ۱۵، ش ۲، صص ۱۴۸-۱۲۵.
- شریعتی فیض‌آبادی، مهدی و محمود گودرزی، ۱۳۹۴، "جایگاه دیپلماسی ورزش در روابط بین‌الملل جمهوری اسلامی ایران؛ رویکرد کیفی مبتنی بر تحلیل محتوا"، *دوفصلنامه دانش سیاسی*، س ۱۱، ش ۲، صص ۱۲۷-۹۵.
- ، ۱۳۹۶، "مدل‌سازی ساختاری SEM مؤلفه‌های دیپلماسی ورزش در توسعه روابط بین‌الملل جمهوری اسلامی ایران"، *فصلنامه رویکردهای نوین در مدیریت ورزشی*، سال ۵، ش ۱۶، صص ۱۰۴-۸۹.
- شهابی، هوشنگ، ۱۳۸۸، "دیپلماسی ورزشی بین ایالات متحده و ایران"، *فصلنامه گفتگو*، س ۱۱، ش ۴۲، صص ۲۴-۷.
- صباغیان، علی، ۱۳۹۴، "دیپلماسی ورزشی"، *مطالعات فرهنگ-ارتباطات*، س ۱۶، ش ۳۱، صص ۱۵۰-۱۳۱.
- عبداللهیان، حمید، ۱۳۸۱، "فوتبال و کشف علائم تغییرات فرهنگی"، *فصلنامه علوم اجتماعی*، ش ۱۹، صص ۱۰۴-۹۳.
- فوران، جان، ۱۳۸۶، *مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران*، ترجمه: احمد تدین، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- محمدی‌سرشت، مهدی، ۱۳۹۳، *رخصت بده پهلوان*، تهران: فاتحان.

نیکویخت، محمد، سید امیراحمد مظفری، و حسین مفتخری، ۱۳۸۵، "نحوه پرداختن مردم ایران به ورزش و تربیت بدنی با توجه به تحولات مدیریتی از آغاز سلطنت هخامنشیان تا پایان سلطنت پهلوی"، ج ۱، نشریه علوم حرکتی و ورزشی، ش ۴، ش ۷، صص ۳۲-۲۵.

لاتین:

- Allison, L. 2005, *The Global Politics of Sport: The Role of Global Institutions in Sport*, New York: Routledge.
- Anderson, P. H., 2017, *Quantifying The Value of Sport Diplomacy to Non-State Actors*, Doctoral Dissertation: University of Oregon.
- Chehabi, H. E, 2001, "Sport Diplomacy between the United States and Iran", *Diplomacy and Statecraft*, Vol. 12, PP. 89-106.
- Copeland, D. 2009, *Guerrilla Diplomacy: Rethinking International Relations*, United States, Boulder: Lynne Rienner.
- Cull, N. J., 2009, *Public Diplomacy: Lessons from the Past*, Los Angeles: Figueroa Press.
- De Groot, G. J. 2011, *Sport and Politics- Sometimes a Good Mix*, ISN Insights.
- Feizabadi, M. S., Khabiri, M., Hamidi, M. (2013). "The Relationship Between The Success of Countries at The Guangzhou 2010 Summer Asian Games and Demo-Economic Factors". *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 82, pp. 369-374.
- Forsythe, D. P., & Coate, R. A, 2013, *The United Nations and Changing World Politics*, Boulder: Westview.
- Grix, J. 2013, "Sport Politics and the Olympics", *Political Studies Review*, Vol. 11(1), PP. 15-25.
- Grix, J. & Houlihan, B. 2014, "Sports Mega- Events as Part of a Nation's Soft Power Strategy: The Cases of Germany, 2006, and the UK, 2012", *The British Journal of Politics & International Relations*, Vol. 16(4), pp.572-596.
- Hamilton, K. & Langhorne, R. 2011, *The Practice of Diplomacy – Its Evolution, Theory and Administration*, Second Edition, New York: Routledge
- Hlabane, B. 2012, *The Political, Economic And Social Impact of Hosting Mega-Sports Events: The 2010 South Africa World Cup In Comparative Perspective*. Beppu: Ritsumeikan Asia Pacific University.
- Jackson, S. J. & Haigh, S. 2008, "Between and Beyond Politics: Sport and Foreign Policy in a Globalizing World", *Sport in Society*, Vol. 11, PP. 349-358.
- James, A. 1999, "Cited in Paul Sharp, For Diplomacy: Representation and the Study of International Relations", *International Studies Review*, Vol. 1(1), PP. 33-57.
- Mabillard, V. & Jadi, D. 2011, *Sports as Cultural Diplomacy: How Sport Can Make a Difference in Intercultural Relations*, Institute for Cultural diplomacy.
- Matwiczak, Kenneth, 2010, "Public Diplomacy Model for the Assessment of Performance" PhD. Thesis, Policy Research Project Report, Number 170.
- Murray, S. 2011, "Sports-Diplomacy: a Hybrid of Two Halves", *International Symposium on Cultural Diplomacy*: Berlin.
- Pigman, G. A. & Rofo, J. S. 2014, "Sport and Diplomacy", *An Introduction, Sport in Society*, Vol. 17(9), PP. 1095-1097.
- Postlethwaite, V., & Grix, J, 2016, "Beyond the Acronyms: Sport Diplomacy and the Classification of the International Olympic Committee", *Diplomacy & statecraft*, Vol. 27(2), PP. 295-313.

- Qing, L. & Richeri, G. 2010, "Special Issue: Encoding the Olympics-the Beijing Olympic Games and the Communication Impact Worldwide", *International Journal of the History of Sport*, Vol. 27(9/10), PP. 1409-1716.
- Rensmann, Lars, 2015, "Sports, Global Politics, and Social Value Change: A Research Agenda", *Altera Modernita Saggi/ Ensayos/ Essais/ Essays*. No. 14 - 05, PP. 114-133.
- Riordan, James, Krüger, Arnd, 1999, *The International Politics of Sport in the Twentieth Century*, London: Taylor & Francis Group.
- Rofe, J. S. 2016, "Sport and Diplomacy: A Global Diplomacy Framework", *Diplomacy & Statecraft*, Vol. 27, PP. 212 – 230.
- Rowe, D. 2018, "Football, Diplomacy and Australia in the Asian Century", In *Sport and Diplomacy*, Manchester University Press.
- Satterfield, L., 2013, "Smart Power: Using Sports Diplomacy to Build A Global Network to Empower Women and Girls", *Public Diplomacy Magazine*, <http://publicdiplomacymagazine.com/wp-content/uploads/2013/02/>, 50-51, pdf.
- Wight, M. 1966, *Diplomatic Investigations*, Cambridge: Harvard University Press.

